

جشن تیرگان



سیزدهمین روز از ماه تیر

این جشن درگرمی داشت تیشتر (ستاره باران آور در فرهنگ ایرانی) است و در روز تیر از ماه تیر برگزار می شود. از دیدگاه تاریخی، جشن تیرگان روز کمان کشیدن پهلوان ایرانی به نام آرش و پرتاب تیر از فراز البرز کوه بوده است که در روایت تیشتر یشت پس از نبرد بین ایرانیان

وتورانیان صورت گرفته و سرزمین ایران از دشمن باز پس گرفته شده است. همچنین جشن تیرگان به روایت ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه، روز بزرگداشت مقام نویسندگان در ایران باستان بوده است.

در فراهان جشن تیرگان در اول ماه تیر برگزار می‌شود و این آیین به نام جشن تیرگان به ثبت ملی نیز رسیده است. و در مازندران نیز جشن تیرگان با نام تیرماه سیزده شو در شب سیزدهم آبان ماه برگزار می‌شود.

در مازندران نیز جشن تیرگان با نام تیرماه سیزده شو در شب سیزدهم آبان ماه برگزار می‌شود.

ارامنه اصفهان این جشن را در روز سیزدهم ژانویه برگزار می‌کنند.

انجمن کوهنوردان ایران هر ساله این جشن را در روز سیزدهم تیر در دماوند برگزار می‌کنند. این جشن به ثبت ملی نیز رسیده است.

بهار مختاریان اعتقاد دارد که جشن تیرگان در اصل جشن انقلاب تابستانی در اول تیرماه بوده است. آنچه که اکنون در فراهان بازمانده است.

این جشن درگرمی داشت تیشتر (ستاره باران آور در فرهنگ ایرانی) است و بنا به سنت در روز تیر از ماه تیر انجام می‌پذیرد. در تواریخ سنتی تیرگان روز کمان‌کشیدن آرش کمانگیر و پرتاب تیر از فراز البرز است. همچنین جشن تیرگان به روایت ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، روز بزرگداشت مقام نویسندگان در ایران باستان بوده است.

بنابر تقویم یکپارچه ادیان ایران این جشن در روز دهم تیرماه در گاهشمار کنونی ایران قرار دارد. موبد کورش نیکنام برگزاری جشن‌ها با استفاده از گاهشماری‌های سنتی با ماه‌های 30 روزه را بی‌توجهی به دانش نجوم و دستاوردهای خیام و موجب ناهماهنگی در جشن‌ها دانسته و لزوم توجه به گاهشماری ملی و رسمی با ماه‌های 31 روزه را یادآور شده است. (برای آگاهی از فهرست و زمان همه جشن‌های ملی بنگرید به صفحه جشن‌های ایرانی)

جشن همه ساله در کوه دماوند, آمل و همه ساله توسط زرتشتیان ایران در شهرهای تهران، کرج، یزد و روستاهای اطراف، میبد، اردکان، کرمان، بم، شیراز، اصفهان، اهواز و اروپا و آمریکا در روز دهم تیر برگزار می‌شود. که البته تعطیل نبودن این روز در ایران و دیگر کشورها گاه باعث می‌شود تا در نزدیکترین روز تعطیل این جشن برگزار شود.



جلیل دوستخواه پژوهشگر ایران‌شناس در زمینه زمان جشن‌های ایرانی و از جمله جشن تیرگان آورده است

باز هم می‌بینیم که نویسندگان ِ برخی از این نوشتارها، با نادیده‌گرفتن ِ زمینه‌های ِ اسطوره‌گی ِ نام‌گذاری ِ این جشن و پژوهش‌های کسانی همچون بیرونی درباره‌ی ِ زمان ِ برگزاری ِ آن و تنها به دست‌آویز ِ سی و یک روزه بودن ِ شش ماه ِ نخست ِ سال در گاه‌شمار کنونی، روز ِ دهم تیرماه را، زمان ِ این جشن می‌انگارند. اما درست و بنیادین و برابر با یادگارهای فرهنگی ِ کهن، آن است که مانند ِ نیاکان‌مان، سیزدهم تیرماه (تیرروز از ماه ِ تیر) را جشن ِ تیرگان بدانیم و با خجستگی برگزاریم. زمان ِ درست ِ جشن‌های دوازده‌گانه، بدین سامان است

: آب‌پاشی

این جشن در کنار آب‌ها، همراه با مراسمی وابسته با آب و آب‌پاشی و آرزوی بارش باران در سال پیش ِ رو همراه بوده و همچون دیگر جشن‌هایی که با آب در پیوند هستند، با نام عمومی «آبریزگان» یا «آب‌پاشان» یا «سر شوران» یاد شده‌است.

در گذشته «تیرگان» روز بزرگداشت نویسندگان و گاه به «روز آرش شیواتیر» منسوب شده‌است.

ابوریحان بیرونی و گردیزی در «زین الاخبار» ناپدید شدن یکی از جاودانان ایرانی یعنی «کیخسرو» را در این روز و پس از شستشوی خود در آب چشمه‌ای دانسته‌اند

فال کوزه

یکی دیگر از مراسم این جشن مانند بسیاری از جشن‌های ایرانی «فال کوزه» (چک دوله) می‌باشد. روز قبل از جشن تیرگان، دوشیزه‌ای را برمی‌گزینند و کوزه سفالی سبز رنگ دهان گشادی به او می‌دهند که «دوله» نام دارد، او این ظرف را از آب پاکیزه پر می‌کند و یک دستمال سبز ابریشمی را بر روی دهانه آن می‌اندازد آنگاه «دوله» را نزد همه کسانی که می‌برد که آرزویی در دل دارند و می‌خواهند در مراسم «چک دوله» شرکت کنند و آن‌ها جسم کوچکی مانند انگشتی، گوشواره، سنجاق سر، سکه یا مانند این‌ها در آب دوله می‌اندازند. سپس دختر دوله را به زیر درختی همیشه سبز چون سرو یا مورد می‌برد و در آن‌جا می‌گذارد. در روز جشن تیرگان و پس از مراسم آبریزان، همه کسانی که در دوله جسمی انداخته‌اند و نیت و آرزویی داشته‌اند در جایی گرد هم می‌آیند و دوشیزه، دوله را از زیر درخت به میان جمع می‌آورد. در این فال‌گیری بیشتر بانوان شرکت می‌کنند و سال خوردگان با صدایی بلند به نوبت شعرهایی می‌خوانند و دختر در پایان هر شعر، دست خود را درون

دوله می‌برد و یکی از چیزها را بیرون می‌آورد، به این ترتیب صاحب آن جسم متوجه می‌شود که شعر خوانده شده مربوط به نیت، خواسته و آرزوی او بوده‌است

: دستبند تیر و باد

در آغاز جشن بعد از خوردن شیرینی، بندی به نام «تیر و باد» که از ۷ ریسمان به ۷ رنگ متفاوت بافته شده‌است به دست می‌بندند و در باد روز از تیرماه (۹ روز بعد) این بند را باز کرده و در جای بلندی مانند پشت بام به باد می‌سپارند تا آرزوها و خواسته‌هایشان را به عنوان پیام‌رسان به همراه ببرند. این کار با خواندن شعر زیر انجام می‌شود:

تیر برو باد بیا غم برو شادی بیا محنت برو روزی بیا خوشه
مرواری بیا

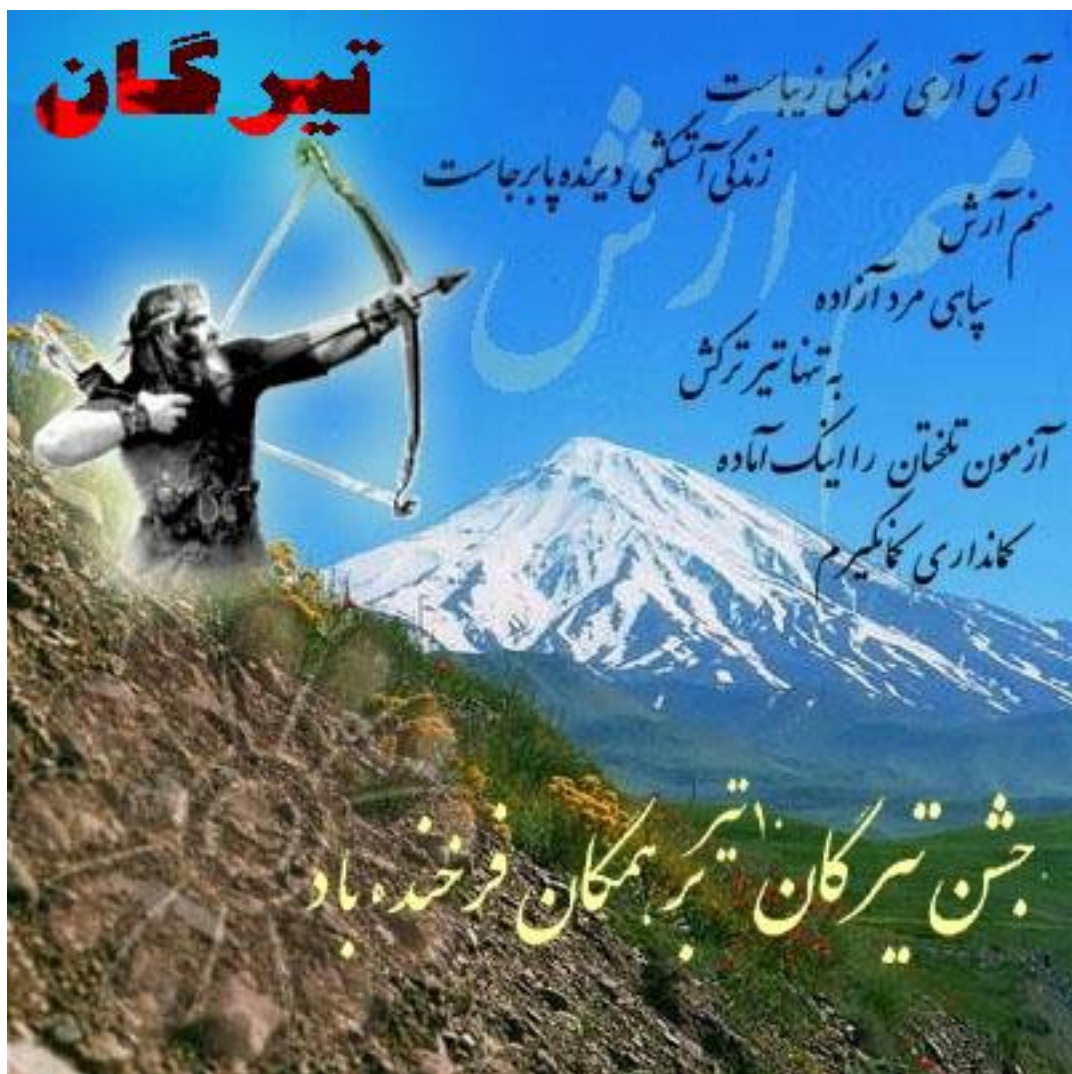


: باورهای مردمی

در باورهای مردم، درباره جشن تیرگان دو روایت وجود دارد که روایت نخست همچنان که در بالا گفته شد مربوط به فرشته باران یا تیشتر می‌باشد و نبرد همیشگی میان نیکی و بدی است: در اوستا، تشر یشت (تیر یشت)، تیشتر فرشته باران است که در ده روز اول ماه به چهره جوانی پانزده ساله در می‌آید و در ده روز دوم به چهره گاوی با شاخ‌های

زرین و در ده روز سوم به چهره اسبی سپید و زیبا با
گوش‌های زرین.

تیشتر به شکل اسب زیبای سفید زرین گوشی، با ساز و برگ
زرین، به دریای کیهانی فرو می‌رود. در آنجا با دیو
خشکسالی «اپوش» که به شکل اسب سیاهی است و با گوش
و دم سیاه خود، ظاهری ترسناک دارد، روبرو می‌شود. این
دو، سه شبانه روز با یکدیگر به نبرد برمی‌خیزند و تیشتر در
این نبرد شکست می‌خورد، به نزد خدای بزرگ آمده و از او
یاری و مدد می‌جوید و به خواست و قدرت پروردگار این بار
بر اهریمن خشکسالی پیروز می‌گردد و آب‌ها می‌توانند بدون
مانعی به مزرعه‌ها و چراگاه‌ها جاری شوند. باد ابرهای
باران‌زا را که از دریای کیهانی برمی‌خواستند به این سو و
آن سو راند، و باران‌های زندگی بخش بر هفت کشور زمین
فرو ریخت و به مناسبت این پیروزی ایرانیان این روز را به
جشن پرداختند.



روایت دیگر نیز درباره آرشی کمانگیر اسطوره و قهرمان ملی ایرانیان است و اینکه میان ایران و توران سال‌ها جنگ و ستیز بود، در نبرد میان «افراسیاب» و «منوچهر»، شاه ایران، سپاه ایران شکست سختی می‌خورد؛ این رویداد در روز نخست تیر روی می‌دهد. سپاه ایران در مازندران به تنگنا می‌افتد و سرانجام دو سوی نبرد به سازش در می‌آیند و برای آنکه مرز دو کشور مشخص شود و ستیز از میان برخیزد می‌پذیرند که از مازندران تیری به جانب خاور

(خراسان) پرتاب کنند هر جا تیر فرو آمد همان جا مرز دو کشور باشد و هیچ‌یک از دو کشور از آن فراتر نروند؛ تا در این گفتگو بودند، سپندارمذ (ایزدبانوی زمین) پدیدار شد و فرمان داد تیر و کمان آوردند. آرش در میان ایرانیان بزرگ‌ترین کماندار بود و به نیروی بی‌مانندش تیر را دورتر از همه پرتاب می‌کرد. سپندارمذ به آرش گفت تا کمان بردارد و تیری به جانب خاور پرتاب کند. آرش دانست که پهنای کشور ایران به نیروی بازو و پرش تیر او بسته‌است و باید توش و توان خود را در این راه بگذارد. او خود را آماده کرد، برهنه شد، و بدن خود را به شاه و سپاهیان نمود و گفت ببینید من تندرستم و کژی‌ای در وجودم نیست، ولی می‌دانم چون تیر را از کمان رها کنم همه نیرویم با تیر از بدن بیرون خواهد آمد. آنگاه آرش تیر و کمان را برداشت و بر بلندای کوه دماوند برآمد و به نیروی خداداد تیر را رها کرد و خود بی‌جان بر زمین افتاد (درود بر روان پاک آرش و روان‌های پاک همه سربازان ایرانی). هرمز، خدای بزرگ، به فرشته باد (وایو) فرمان داد تا تیر را نگهبان باشد و از آسیب نگه دارد. تیر از بامداد تا نیمروز در آسمان می‌رفت و از کوه و در و دشت می‌گذشت تا در کنار رود «جیهون» بر تنه درخت گردویی که بزرگ‌تر از آن در گیتی نبود نشست

آنجا را مرز ایران و توران جای دادند و هر سال به یاد آن
جشن گرفتند



تیرگان نماد دانش و حرکت
دکتر مهراپ وحیدی

تندیس آرش کمانگیرسخن از تیر است و تابستان، سخن از خشکسالی است و ستاره باران، سخن از آرش است و تیرگان.

آری بار دگر روز سیزدهم تیرماه زرتشتی برابر با دهم تیرماه خورشیدی فرا می رسد و جشنی از دیگر جشنهای ماهیانه با فلسفه وجودی ژرف و پربار در جهت شادمانی مردمان و شادکامی آدمیان؛ جشنی که در آن با پدیدار شدن ستاره تشر (ستاره تیر و نه سیاره تیر یا عطارد) مردمان در دشت و هامون به نیایش پرداخته و در طلب باران در هنگام گرمای شدید و بی آبی حاصل از آن آبزور می سرایند. روزی که جوانان نخ چند رنگ " تیر و تشر " به مچ دست چپ بسته تا ده روز بعد در روز باد آنرا به نسیم بسپارند تا به آرزوی خویش برسند.

روزی که به یاد آرش این بزرگ سپندینه مرد ایران زمین که با جان خویش مرزهای این سرزمین اهورایی را پاسبانی نمود ایرانیان با شادی به روان وی درود فرستند.

آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که چرا تیرگان در میان جشنهای ماهیانه مانند مهرگان در نزد زرتشتیان جایگاهی خاص دارد؟ آیا شوند آن واقعه ای نجومی است که در تیرگان و مهرگان رخ می دهد و بنا به گمانی که نیاز به اثبات

نجومی دارد در تیرگان انقلاب تابستانی رخ داده و بلندترین روز سال است و نیز در مهرگان اعتدال پاییزی و برابری شب و روز؟ یا به شوند خشکی ایران در این زمان است و ارتباط پدیداری ستاره تشر با بارش باران در ازنای تاریخ؟ و یا شوند دیگری است و ارتباط آن با دیگر ایزدان و امشاسپند خورداد چگونه که در برساد می خوانیم به خشنودی خورداد و تشر و باد و فروردین؟

نظر نگارنده بر این است که در هنگام ایجاد تقویم و همراه نمودن ایزدان با امشاسپندان در اوستاندیشه ای والا و ژرف وجود داشته است که برداشت خویش بیان می گردد

از روز خورداد تا تیر شش روز و از روز تیر تا فروردین شش روز و از فروردین تا باد سه روز است و از باد تا خورداد ماه بعد پانزده روز؛ آیا این اعداد مفهومی دارند؟! در روز تیرگان آنچه رخ می دهد طلب آب است و آب پاشیدن به یکدیگر. آب که نماد خورداد امشاسپند است و نماد دانش اندوزی زیرا که مانند آب باید دانشهای گوناگون را فرا گرفته و در خود حل نمود. در تیرگان بند چند نخ رنگین " تیر و تشر " را که می تواند نشان از چندگانگی دانشهای گوناگون باشد بر دست بسته می شود که میتواند دستیابی به دانش را

بیان کند و این بند در روز باد که نماد حرکت و جنبش و پویایی گفته می شود به نسیم سپرده می گردد که این شاید نشانه ای از به حرکت درآوردن دانشهای بدست آمده باشد. فروردین که روز فروهرها است همیاری خویش را بدینگونه نشان می دهد که برای دستیابی به جایگاه فروهر بزرگانی چون آرش باید به سلاح اندیشه که چون تیر تیز باشد و به دانش که چون آب همه چیز را در خود جای می دهد و چون باد در جنبش و پویش رو به جلو حرکت نمود تا بتوان آرمان آن گرامیان را که دستیابی به مرزهای آزادگی است را پاسداشت



تیرگان فرخنده باد

